

Submit Date: 6 February 2024

Revise Date: 11 March 2024

Accept Date: 23 March 2024

Publish Date: 13 April 2024

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Comparative Analysis of Social Security Laws with Reference to the Theories of John Maynard Keynes and Imam Ali (AS)

Elahe Kazemi¹, Hamed Afshari*¹

1. Department of Law, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: afsharihamid46@gmail.com

ABSTRACT

This article provides a comparative analysis of social security laws with reference to the theories of John Maynard Keynes and Imam Ali (AS). The objective of this research is to offer a robust theoretical framework for the formulation and revision of social security laws, considering the economic and social perspectives of these two prominent figures. The first part examines the lives and works of Keynes and Imam Ali (AS) and analyzes their theoretical principles. Findings indicate that both theorists emphasized the active role of the state in the economy and the importance of equitable wealth distribution. Keynes focused on fiscal and monetary policies as tools to stimulate aggregate demand and create employment, while Imam Ali (AS) stressed social justice and the protection of the rights of the poor, both highlighting the significance of public welfare and the reduction of social inequalities. The second part conducts a comparative analysis of Iran's social security laws based on the views of Keynes and Imam Ali (AS). Finally, recommendations are made to improve the social security system, including strengthening financial resources, expanding insurance coverage, enhancing service quality, increasing transparency and oversight, promoting public education, and fostering cultural awareness. This research can serve as a basis for future studies and legal reforms in the field of social security.

Keywords: *John Maynard Keynes, Imam Ali (AS), social security, social justice, equitable wealth distribution, public welfare.*

How to cite: Kazemi, E., & Afshari, H. (2024). Comparative Analysis of Social Security Laws with Reference to the Theories of John Maynard Keynes and Imam Ali (AS). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 1-12.



تاریخ ارسال: ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۲۰ اسفند ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۳ فروردین ۱۴۰۳
 تاریخ چاپ: ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی با استناد به نظریات جان مینارد کینز و امام علی (ع)

الهه کاظمی^۱، حامد افشاری^{۱*}

۱. گروه حقوق، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: afsharihamid46@gmail.com

چکیده

در این مقاله به تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی با استناد به نظریات جان مینارد کینز و امام علی (ع) پرداخته شده است. هدف این پژوهش ارائه یک چارچوب نظری قوی برای تدوین و اصلاح قوانین تأمین اجتماعی با توجه به دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی این دو شخصیت برجسته است. در بخش اول، به بررسی زندگی و آثار کینز و امام علی (ع) و تحلیل اصول نظری آن‌ها پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که هر دو نظریه پرداز بر نقش فعال دولت در اقتصاد و اهمیت توزیع عادلانه ثروت تأکید داشته‌اند. کینز با تأکید بر سیاست‌های مالی و پولی به عنوان ابزارهایی برای تحریک تقاضای کل و ایجاد اشتغال، و امام علی (ع) با تأکید بر عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق فقرا، هر دو بر اهمیت تأمین رفاه عمومی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند. در بخش دوم، تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی در ایران با توجه به دیدگاه‌های کینز و امام علی (ع) صورت گرفته است. در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود نظام تأمین اجتماعی ارائه شده است که شامل تقویت منابع مالی، توسعه پوشش بیمه‌ای، بهبود کیفیت خدمات، ارتقای شفافیت و نظارت، آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی می‌باشد. این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای تحقیقات آینده و اصلاحات قانونی در حوزه تأمین اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژگان: جان مینارد کینز، امام علی (ع)، تأمین اجتماعی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، رفاه عمومی.

مقدمه

قوانین تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اجزای سیاست‌های عمومی دولت‌ها، نقش حیاتی در حفظ رفاه عمومی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی دارند. تأمین اجتماعی شامل مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که هدف آن‌ها حمایت از افراد در مواجهه با ریسک‌های اقتصادی و اجتماعی مانند بیکاری، بیماری، و پیری است (Morshedzad, 2017; Mustofa & Janatin, 2023; Sutch, 2018). در این مقاله، تلاش می‌شود تا با استناد به نظریات دو اندیشمند برجسته یعنی جان مینارد کینز، اقتصاددان برجسته قرن بیستم، و امام علی (ع)، امام اول شیعیان و حاکم عادل اسلامی، تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی صورت گیرد. هدف این تحقیق ارائه‌ی تحلیلی جامع از مبانی نظری و عملی قوانین تأمین اجتماعی با استناد به دیدگاه‌های جان مینارد کینز و امام علی (ع) است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیل تطبیقی و بررسی منابع معتبر علمی و تاریخی، تلاش می‌کند تا نقاط اشتراک و تفاوت‌های دیدگاه‌های این دو شخصیت را در زمینه تأمین اجتماعی برجسته کند و پیشنهاداتی برای بهبود نظام تأمین اجتماعی ارائه دهد.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله شامل مراحل زیر است: بررسی و تحلیل نظریات اقتصادی جان مینارد کینز: با استناد به منابع مختلف و معتبر، به تحلیل دیدگاه‌های کینز در زمینه نقش دولت در اقتصاد، اهمیت مصرف و سرمایه‌گذاری، و نظریه اشتغال و درآمد پرداخته می‌شود.

بررسی اصول اجتماعی و اقتصادی امام علی (ع): با استفاده از منابع اسلامی و تاریخی، دیدگاه‌های امام علی (ع) در زمینه عدالت اجتماعی، حقوق فقرا و نیازمندان، و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌شود.

تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی: با مقایسه اصول نظری کینز و امام علی (ع)، به تحلیل قوانین جاری تأمین اجتماعی در ایران و تطبیق آن‌ها با نظریات این دو شخصیت پرداخته می‌شود. پیشنهادات و راهکارها: بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاداتی برای بهبود نظام تأمین اجتماعی ارائه می‌شود.

نظریات اقتصادی جان مینارد کینز

زندگی و آثار جان مینارد کینز

جان مینارد کینز در سال ۱۸۸۳ در انگلستان متولد شد. او یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم بود که نظریات وی تأثیر عمیقی بر سیاست‌های اقتصادی جهانی داشت. کینز در سال ۱۹۰۵ از دانشگاه کمبریج فارغ‌التحصیل شد و در طول زندگی خود به تدریس، نویسندگی، و مشاوره اقتصادی پرداخت. از آثار برجسته کینز می‌توان به "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" (۱۹۳۶) و "رساله‌ای در باب احتمال" (۱۹۲۱) اشاره کرد. این آثار نقش حیاتی در شکل‌دهی به اقتصاد کلان و تئوری‌های احتمالی ایفا کردند (Barnett, 2017; Carabelli & Cedrini, 2011).

مبانی نظری کینز در اقتصاد کلان

نقش دولت در اقتصاد

یکی از اصول بنیادین نظریات کینز، تأکید بر نقش فعال دولت در اقتصاد است. کینز معتقد بود که دولت باید در زمان‌های رکود اقتصادی، با افزایش مخارج عمومی و کاهش مالیات‌ها، تقاضای کل را تحریک کند تا از افزایش بیکاری و کاهش تولید جلوگیری شود (Aspromourgos, 2018). وی در "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" بیان می‌کند که بازار آزاد به تنهایی قادر به تنظیم خودکار اقتصاد نیست و دولت باید با سیاست‌های مالی و پولی مناسب، به تثبیت اقتصاد کمک کند (Bottom, 2010).

اصل مصرف و سرمایه‌گذاری

کینز بر اهمیت مصرف و سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی تأکید داشت. وی معتقد بود که مصرف فعلی افراد به شدت به درآمد جاری آن‌ها وابسته است و هرچه درآمد بیشتر باشد، مصرف نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری نیز تحت تأثیر انتظارات آینده اقتصادی و نرخ بهره قرار دارد. کینز نظریه‌پردازی کرد که در دوران رکود اقتصادی، دولت باید با افزایش مخارج عمومی و تشویق به سرمایه‌گذاری، از کاهش تقاضای کل جلوگیری کند (Chambers et al., 2015).

نظریه اشتغال و درآمد

کینز در نظریه خود بیان می‌کند که سطح اشتغال و درآمد در اقتصاد تحت تأثیر تقاضای کل قرار دارد. وی معتقد بود که کاهش تقاضای کل منجر به کاهش تولید و افزایش بیکاری می‌شود. برای جلوگیری از این وضعیت، دولت باید با اجرای سیاست‌های مالی مناسب، سطح تقاضای کل را افزایش دهد. کینز بیان می‌کند که در زمان‌های رکود، کاهش نرخ بهره و افزایش مخارج عمومی می‌تواند به افزایش اشتغال و درآمد کمک کند (Aspromourgos, 2018; Sutch, 2018).

نظریه اشتغال و درآمد

در نهایت، نظریات کینز نشان می‌دهند که دولت‌ها باید نقش فعال و پیشرو در مدیریت اقتصاد و تأمین رفاه اجتماعی ایفا کنند. این نظریات همچنان به عنوان پایه‌ای برای بسیاری از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند و اهمیت آن‌ها در ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی غیرقابل انکار است.

کینز در نظریه خود بیان می‌کند که سطح اشتغال و درآمد در اقتصاد تحت تأثیر تقاضای کل قرار دارد. وی معتقد بود که کاهش تقاضای کل منجر به کاهش تولید و افزایش بیکاری می‌شود. برای جلوگیری از این وضعیت، دولت باید با اجرای سیاست‌های مالی مناسب، سطح تقاضای کل را افزایش دهد. کینز بیان می‌کند که در زمان‌های رکود، کاهش نرخ بهره و افزایش مخارج عمومی می‌تواند به افزایش اشتغال و درآمد کمک کند (Aspromourgos, 2018; Sutch, 2018).

کینز و تأمین اجتماعی

نقش تأمین اجتماعی در ایجاد ثبات اقتصادی

کینز بر این باور بود که برنامه‌های تأمین اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در تثبیت اقتصادی ایفا کنند. وی معتقد بود که تأمین اجتماعی می‌تواند از طریق کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش تقاضای کل، به ثبات اقتصادی کمک کند. برنامه‌های تأمین اجتماعی نظیر بیمه بیکاری، بیمه سلامت و بازنشستگی، می‌توانند از کاهش شدید مصرف در زمان‌های رکود جلوگیری کنند و از این طریق به تثبیت اقتصاد کمک کنند (Bateman, 2021; Fuller, 2018).

سیاست‌های مالی و رفاه اجتماعی

اصول اجتماعی و اقتصادی امام علی (ع)
زندگی و دوران حکومت امام علی (ع)

امام علی (ع)، امام اول شیعیان و یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که به دلیل عدالت‌طلبی و اخلاقیات والای خود مورد تحسین قرار گرفته است. دوران حکومت امام علی (ع) حدود ۵ سال به طول انجامید و در این مدت، تلاش‌های زیادی برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی انجام داد. وی در نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، اصولی را برای اداره جامعه اسلامی بیان کرده است که همچنان به عنوان منابع مهمی در فقه و اخلاق اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

نظریات امام علی (ع) در خصوص عدالت اجتماعی

نقش دولت در توزیع عادلانه ثروت

از ثروتمندان بصره تو را به مهمانی دعوت کرده و تو به سوی آن شتافته‌ای... بنگر که هر لقمه‌ای که برمی‌داری، حلال است یا حرام" (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵). این بیان نشان می‌دهد که امام علی (ع) بر پاک‌دستی و عدالت در توزیع منابع تأکید داشت و آن را یکی از اصول اساسی حکومت خود می‌دانست (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی در نامه‌ها و خطبه‌ها

امام علی (ع) در نامه‌ها و خطبه‌های خود، سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری را بیان کرده است که می‌تواند به عنوان الگویی برای قوانین تأمین اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. او بر اهمیت انصاف، عدالت، و حمایت از حقوق محرومان تأکید داشت. در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: "ای مالک! بدان که مردم به طبقات مختلفی تقسیم شده‌اند... و هر یک بر دیگری حقی دارند و از حقوق آن‌ها چیزی نمی‌توان کاست، مگر با رعایت انصاف" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این اصول نشان می‌دهد که امام علی (ع) بر اهمیت عدالت و انصاف در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی تأکید داشت و آن را یکی از وظایف اساسی دولت می‌دانست (Bahramian et al., 2023; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

نتیجه‌گیری این بخش نشان می‌دهد که اصول اجتماعی و اقتصادی امام علی (ع) با تأکید بر عدالت، انصاف، و حمایت از حقوق محرومان، می‌تواند به عنوان الگویی برای تدوین و بهبود قوانین تأمین اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. این اصول همچنان به عنوان منابع الهام‌بخش در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری از کشورهای اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرند.

تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی

تطبیق اصول نظری کینز و امام علی (ع)

نقش دولت در رفاه اجتماعی

امام علی (ع) بر اهمیت نقش دولت در توزیع عادلانه ثروت تأکید داشت. وی معتقد بود که دولت باید به گونه‌ای عمل کند که ثروت‌ها به طور عادلانه میان افراد جامعه توزیع شود و هیچ‌کس از حقوق خود محروم نماند. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر، فرماندار مصر، می‌نویسد: "بدان که مردم در تو همانند رمه‌ای هستند که از تو می‌طلبند تا آن‌ها را به چراگاه‌های عدل ببری" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این بیان نشان می‌دهد که امام علی (ع) دولت را مسئول تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌دانست (Bahramian et al., 2023; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

حقوق فقرا و نیازمندان

یکی از اصول اساسی در دیدگاه امام علی (ع)، حمایت از حقوق فقرا و نیازمندان است. او معتقد بود که جامعه باید به نیازهای افراد کم‌درآمد و محروم توجه ویژه‌ای داشته باشد و از طریق سیاست‌های حمایتی، آنان را از فقر و محرومیت نجات دهد. امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: "خداوند از توانگران برای فقرای ایشان روزی قرار داده است. هیچ فقیری گرسنه نماند، جز آن‌که توانگری از حق او خودداری کند" (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۲۴). این نظریه نشان می‌دهد که امام علی (ع) بر ضرورت حمایت از فقرا تأکید داشت و این مسئولیت را بر عهده دولت می‌دانست (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

امام علی (ع) و تأمین اجتماعی

حکومت علوی و رفاه عمومی

در دوران حکومت امام علی (ع)، تلاش‌های زیادی برای بهبود رفاه عمومی و تأمین عدالت اجتماعی انجام شد. امام علی (ع) به شدت مخالف انباشت ثروت در دست عده‌ای معدود بود و بر توزیع عادلانه منابع تأکید داشت. او در نامه‌ای به عثمان بن حنیف، والی بصره، می‌نویسد: "ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که مردی

داشت (Bahramian et al., 2023; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

بررسی موردی قوانین تأمین اجتماعی در ایران

تحلیل قوانین جاری و نقاط قوت و ضعف آنها

قوانین تأمین اجتماعی در ایران شامل مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که هدف آنها حمایت از افراد در مواجهه با ریسک‌های اقتصادی و اجتماعی مانند بیکاری، بیماری، و پیری است. به عنوان مثال، قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴، شامل بیمه‌های بازنشستگی، از کار افتادگی، بیکاری و درمان است. نقاط قوت این قوانین شامل پوشش گسترده بیمه‌ای و ارائه خدمات به جمعیت‌های مختلف است اما نقاط ضعف این قوانین شامل کمبود منابع مالی، ناپایداری صندوق‌های بیمه‌ای، و نابرابری در دسترسی به خدمات بیمه‌ای است. همچنین، برخی از گروه‌های اجتماعی مانند کارگران غیررسمی و زنان خانه‌دار از پوشش بیمه‌ای مناسبی برخوردار نیستند (Bahramian et al., 2023; Morshedzad, 2017).

تطبیق با نظریات کینز و امام علی (ع)

با بررسی نظریات کینز و امام علی (ع) می‌توان پیشنهادهایی برای بهبود قوانین تأمین اجتماعی در ایران ارائه داد. از دیدگاه کینز، دولت باید با افزایش مخارج عمومی و سیاست‌های مالی مناسب، تقاضای کل را افزایش دهد و از رکود اقتصادی جلوگیری کند. این دیدگاه می‌تواند به بهبود وضعیت صندوق‌های بیمه‌ای و افزایش منابع مالی برای ارائه خدمات بهتر کمک کند (Aspromourgos, 2018).

از سوی دیگر، دیدگاه امام علی (ع) بر اهمیت عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق فقرا تأکید دارد. بنابراین، دولت باید با ایجاد سیاست‌های حمایتی و بازتوزیعی مناسب، به توزیع عادلانه‌تر منابع و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. این اقدامات می‌تواند به بهبود دسترسی به خدمات بیمه‌ای برای همه گروه‌های اجتماعی

هر دو نظریه پرداز، کینز و امام علی (ع)، بر نقش فعال دولت در رفاه اجتماعی تأکید داشتند. کینز معتقد بود که دولت باید از طریق سیاست‌های مالی و پولی مناسب، اشتغال و تولید را افزایش دهد تا رفاه عمومی بهبود یابد (Aspromourgos, 2018). او در "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" بیان می‌کند که در زمان‌های رکود اقتصادی، دولت باید با افزایش مخارج عمومی و کاهش مالیات‌ها، تقاضای کل را تحریک کند (Sutch, 2018).

به طور مشابه، امام علی (ع) نیز بر این باور بود که دولت باید نقش فعالی در توزیع عادلانه منابع و تأمین رفاه اجتماعی ایفا کند. او در نامه به مالک اشتر، والی مصر، می‌نویسد: "ای مالک، بدان که مردم به طبقات مختلفی تقسیم شده‌اند... و هر یک بر دیگری حقی دارند و از حقوق آنها چیزی نمی‌توان کاست، مگر با رعایت انصاف" (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این بیان نشان می‌دهد که امام علی (ع) نیز بر اهمیت نقش دولت در تأمین رفاه اجتماعی تأکید داشت (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

توزیع عادلانه ثروت

کینز و امام علی (ع) هر دو به توزیع عادلانه ثروت اهمیت زیادی می‌دادند. کینز معتقد بود که توزیع نابرابر ثروت می‌تواند به کاهش تقاضای کل و افزایش نابرابری‌های اجتماعی منجر شود. او بر اهمیت سیاست‌های مالی و بازتوزیعی برای کاهش نابرابری‌ها تأکید داشت (Barnett, 2017).

امام علی (ع) نیز بر توزیع عادلانه ثروت تأکید داشت و معتقد بود که دولت باید از طریق سیاست‌های حمایتی و بازتوزیعی، عدالت اجتماعی را برقرار کند. او در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: "خداوند از توانگران برای فقرای ایشان روزی قرار داده است. هیچ فقیری گرسنه نماند، جز آن‌که توانگری از حق او خودداری کند" (نهج البلاغه، خطبه ۳۲۴). این نظریه نشان می‌دهد که امام علی (ع) بر اهمیت توزیع عادلانه ثروت و حمایت از حقوق فقرا تأکید

افزایش کیفیت خدمات: با استفاده از تجربیات موفق جهانی، باید کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی و سایر خدمات بیمه‌ای را بهبود بخشید و دسترسی به این خدمات را برای همه افراد جامعه فراهم کرد (Karsten, 1997).

پیشنهادات و راهکارها

راهکارهای عملی بر اساس نظریات کینز و امام علی (ع)

نقش دولت در اقتصاد

بر اساس نظریات کینز، دولت باید نقش فعالی در اقتصاد ایفا کند تا بتواند از بروز رکود اقتصادی جلوگیری کند و سطح اشتغال و تولید را افزایش دهد. یکی از راهکارهای عملی در این زمینه، افزایش مخارج عمومی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی است که می‌تواند به افزایش تقاضای کل و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید کمک کند (Aspromourgos, 2018). همچنین، کاهش مالیات‌ها بر درآمدهای پایین و متوسط می‌تواند موجب افزایش مصرف و تحریک تقاضای کل شود (Sutch, 2018).

امام علی (ع) نیز بر نقش دولت در توزیع عادلانه منابع تأکید داشت. او معتقد بود که دولت باید با سیاست‌های حمایتی و بازتوزیعی، عدالت اجتماعی را برقرار کند. یکی از راهکارهای عملی در این زمینه، ایجاد سیستم‌های حمایتی مانند بیمه بیکاری و بیمه سلامت برای حمایت از نیازمندان و فقرا است. امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: "خداوند از توانگران برای فقرای ایشان روزی قرار داده است. هیچ فقیری گرسنه نماند، جز آن‌که توانگری از حق او خودداری کند" (نهج البلاغه، خطبه ۳۲۴) (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

توزیع عادلانه ثروت

برای تحقق توزیع عادلانه ثروت، دولت‌ها باید از سیاست‌های مالی و بازتوزیعی استفاده کنند. کینز معتقد بود که سیاست‌های مالی مانند افزایش مالیات بر درآمدهای بالا و استفاده از این منابع برای

کمک کند (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

مقایسه بین‌المللی قوانین تأمین اجتماعی

نمونه‌های موفق جهانی

برخی از کشورهای جهان دارای سیستم‌های تأمین اجتماعی موفق هستند که می‌توان از تجربیات آن‌ها برای بهبود نظام تأمین اجتماعی در ایران استفاده کرد. به عنوان مثال، سیستم تأمین اجتماعی در سوئد به دلیل پوشش گسترده و کیفیت بالای خدمات معروف است. این سیستم شامل بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، و خدمات بهداشتی و درمانی جامع است. دولت سوئد با تأمین منابع مالی کافی و اجرای سیاست‌های حمایتی مناسب، به توزیع عادلانه منابع و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کرده است (Karsten, 1997).

پیشنهادات برای بهبود نظام تأمین اجتماعی در ایران

با توجه به تجربیات موفق جهانی و تطبیق نظریات کینز و امام علی (ع)، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای بهبود نظام تأمین اجتماعی در ایران ارائه داد:

افزایش منابع مالی: دولت باید با افزایش مخارج عمومی و سیاست‌های مالی مناسب، منابع مالی بیشتری برای صندوق‌های بیمه‌ای فراهم کند تا بتوان خدمات بهتری ارائه داد (Aspromourgos, 2018).

توسعه پوشش بیمه‌ای: باید تلاش شود تا گروه‌های اجتماعی مختلف، از جمله کارگران غیررسمی و زنان خانه‌دار، تحت پوشش بیمه‌ای قرار گیرند و از خدمات مناسب برخوردار شوند (Bahramian et al., 2023; Morshedzad, 2017).

اجرای سیاست‌های حمایتی و بازتوزیعی: دولت باید با اجرای سیاست‌های حمایتی و بازتوزیعی مناسب، به توزیع عادلانه‌تر منابع و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

تجربیات موفق جهانی، کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی و سایر خدمات بیمه‌ای را بهبود بخشد و دسترسی به این خدمات را برای همه افراد جامعه فراهم کند (Karsten, 1997).

ارتقای شفافیت و نظارت

برای افزایش اعتماد عمومی به نظام تأمین اجتماعی، دولت باید با ارتقای شفافیت و نظارت بر عملکرد صندوق‌های بیمه‌ای، از هرگونه سوءاستفاده و فساد جلوگیری کند. همچنین، باید با ارائه گزارش‌های منظم و شفاف از عملکرد صندوق‌های بیمه‌ای، به افزایش اعتماد عمومی کمک کند (Aspromourgos, 2018).

نقش آموزش و فرهنگ‌سازی در بهبود نظام تأمین اجتماعی

یکی از راهکارهای اساسی برای بهبود نظام تأمین اجتماعی، آموزش عمومی است. دولت باید با برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی، افراد جامعه را با حقوق و وظایف خود در زمینه تأمین اجتماعی آشنا کند. این اقدام می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و مشارکت بیشتر افراد در نظام تأمین اجتماعی کمک کند (Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت تأمین اجتماعی و ضرورت حمایت از نیازمندان و فقرا، یکی از اقدامات مؤثر برای بهبود نظام تأمین اجتماعی است. دولت باید با استفاده از رسانه‌ها و برنامه‌های فرهنگی، به ترویج ارزش‌های انسانی و اجتماعی مانند همبستگی و کمک به هم‌نوع بپردازد (Bahramian et al., 2023; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

نهادهای مردمی و سازمان‌های غیرانتفاعی می‌توانند نقش مهمی در بهبود نظام تأمین اجتماعی ایفا کنند. دولت باید با حمایت از این نهادها و فراهم کردن بسترهای مناسب برای فعالیت آن‌ها، به افزایش مشارکت اجتماعی و تقویت شبکه‌های حمایتی کمک کند (Aspromourgos, 2018).

ارائه خدمات عمومی و رفاهی، می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر ثروت کمک کند (Barnett, 2017). همچنین، اجرای برنامه‌های بازتوزیعی مانند یارانه‌ها و کمک‌های نقدی به خانوارهای کم‌درآمد می‌تواند نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد.

امام علی (ع) نیز بر اهمیت توزیع عادلانه ثروت و حمایت از حقوق فقرا تأکید داشت. او معتقد بود که دولت باید با سیاست‌های حمایتی و بازتوزیعی مناسب، به توزیع عادلانه منابع و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. به عنوان مثال، دولت می‌تواند با ارائه کمک‌های مالی و تأمین نیازهای اساسی فقرا، عدالت اجتماعی را برقرار کند (Bahramian et al., 2023; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021).

پیشنهادات برای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران

تقویت منابع مالی تأمین اجتماعی

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای بهبود نظام تأمین اجتماعی، تقویت منابع مالی است. دولت باید با افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش فساد، منابع مالی بیشتری برای صندوق‌های بیمه‌ای فراهم کند. همچنین، باید از سرمایه‌گذاری‌های سودآور و پایدار برای افزایش درآمد صندوق‌های بیمه‌ای استفاده شود (Aspromourgos, 2018).

توسعه پوشش بیمه‌ای

باید تلاش شود تا تمامی گروه‌های اجتماعی، از جمله کارگران غیررسمی و زنان خانه‌دار، تحت پوشش بیمه‌ای قرار گیرند. دولت باید با ایجاد سیاست‌های مناسب، دسترسی به خدمات بیمه‌ای را برای همه افراد جامعه فراهم کند و از نابرابری‌های بیمه‌ای جلوگیری کند (Bahramian et al., 2023; Mustofa & Janatin, 2023).

بهبود کیفیت خدمات

یکی از راهکارهای اساسی برای بهبود نظام تأمین اجتماعی، افزایش کیفیت خدمات ارائه‌شده است. دولت باید با استفاده از

بررسی تجربیات کشورهای مختلف در اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی: تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی و مقایسه تجربیات کشورهای مختلف در اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی بپردازند تا بتوان از این تجربیات برای بهبود نظام تأمین اجتماعی در ایران استفاده کرد (Karsten, 1997).

مطالعه تطبیقی بین دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی سایر اندیشمندان اسلامی و غربی: این پژوهش می‌تواند با مطالعه تطبیقی بین دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی سایر اندیشمندان اسلامی مانند فارابی و ابن خلدون و اندیشمندان غربی مانند آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، به تعمیق فهم از اصول و مبانی تأمین اجتماعی کمک کند (Aspromourgos, 2018; Bahramian et al., 2023).

تحلیل اثرات سیاست‌های مالی و پولی بر نظام تأمین اجتماعی در دوران بحران‌های اقتصادی: یکی دیگر از موضوعات مهم برای تحقیقات آینده، تحلیل اثرات سیاست‌های مالی و پولی بر نظام تأمین اجتماعی در دوران بحران‌های اقتصادی مانند رکود و تورم است. این تحقیقات می‌تواند به ارائه راهکارهای مناسب برای مقابله با این بحران‌ها کمک کند (Sutch, 2018).

بررسی نقش نهادهای مردمی و سازمان‌های غیرانتفاعی در بهبود نظام تأمین اجتماعی: تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی نقش نهادهای مردمی و سازمان‌های غیرانتفاعی در بهبود نظام تأمین اجتماعی بپردازند و راهکارهایی برای تقویت این نهادها ارائه دهند (Aspromourgos, 2018).

تحلیل اقتصادی و اجتماعی تأثیرات بلندمدت تأمین اجتماعی بر فقر و نابرابری: یکی از موضوعات مهم برای تحقیقات آینده، تحلیل اقتصادی و اجتماعی تأثیرات بلندمدت تأمین اجتماعی بر فقر و نابرابری است. این تحقیقات می‌تواند به فهم عمیق‌تری از اثرات این سیاست‌ها بر جامعه کمک کند و به ارائه راهکارهای

با توجه به این پیشنهادات و راهکارها، می‌توان نظام تأمین اجتماعی در ایران را بهبود بخشید و به اهداف عدالت اجتماعی و رفاه عمومی نزدیک‌تر شد. این اقدامات می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نظام تأمین اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به تحلیل تطبیقی قوانین تأمین اجتماعی با استناد به نظریات جان مینارد کینز و امام علی (ع) پرداخته شد. این تحلیل نشان داد که هر دو شخصیت، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، بر نقش فعال دولت در اقتصاد و اهمیت توزیع عادلانه ثروت تأکید داشتند. کینز با تأکید بر سیاست‌های مالی و پولی به عنوان ابزارهایی برای تحریک تقاضای کل و ایجاد اشتغال، و امام علی (ع) با تأکید بر عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق فقرا، هر دو بر اهمیت تأمین رفاه عمومی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی تأکید داشتند (Aspromourgos, 2018; Bahramian et al., 2023).

این پژوهش با بررسی دقیق نظریات کینز و امام علی (ع) و تحلیل تطبیقی آن‌ها با قوانین تأمین اجتماعی، نشان داد که می‌توان از اصول و دیدگاه‌های این دو شخصیت برای بهبود نظام تأمین اجتماعی استفاده کرد. اهمیت این پژوهش در ارائه یک چارچوب نظری قوی برای تدوین و اصلاح قوانین تأمین اجتماعی است که می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و افزایش رفاه عمومی کمک کند. با استفاده از دیدگاه‌های کینز، می‌توان به تقویت منابع مالی و افزایش کیفیت خدمات تأمین اجتماعی پرداخت. همچنین، با استناد به اصول امام علی (ع)، می‌توان بر عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق فقرا تأکید بیشتری کرد (Barnett, 2017; Morshedzad, 2017; Mustofa & Janatin, 2023).

برای تکمیل و گسترش این پژوهش، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The purpose of this study is to provide a comparative analysis of social security laws through the lens of the economic theories of John Maynard Keynes and the social justice principles espoused by Imam Ali (AS). The rationale behind selecting these two figures lies in their influential perspectives on economic policies and social welfare, despite their vastly different historical and cultural contexts. Keynes, a prominent 20th-century economist, revolutionized economic thought with his emphasis on government intervention and fiscal policies to manage economic cycles (Aspromourgos, 2018). Imam Ali (AS), the first Imam of Shia Islam and a pivotal figure in Islamic history, advocated for social justice and the equitable distribution of wealth as foundational principles of governance (Dzukroni & Afandi, 2023; Hartati, 2024; Mustofa & Janatin, 2023). By examining their theories, this study aims to draw actionable insights for improving contemporary social security systems.

John Maynard Keynes' contributions to economic theory, particularly his work "The General Theory of Employment, Interest, and Money" (1936), underscore the importance of government intervention in stabilizing economies. Keynes argued that during periods of economic downturn, private sector demand often falls short, leading to unemployment and underutilized resources. To counteract this, he proposed that governments should engage in

پایدارتر برای کاهش فقر و نابرابری منجر شود (Barnett, 2017).

در نهایت، این پژوهش نشان داد که با بهره‌گیری از نظریات کینز و امام علی (ع)، می‌توان به بهبود نظام تأمین اجتماعی و دستیابی به اهداف عدالت اجتماعی و رفاه عمومی نزدیک‌تر شد. این مطالعه می‌تواند به عنوان مبنایی برای تحقیقات آینده و اصلاحات قانونی در حوزه تأمین اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

counter-cyclical fiscal policies, such as increasing public expenditure and cutting taxes to boost aggregate demand (Sutch, 2018). Keynes believed that such measures would not only stabilize economies but also promote full employment and economic growth. His advocacy for active fiscal policy and government intervention has profoundly influenced modern economic policy-making (Barnett, 2017).

Imam Ali (AS), on the other hand, emphasized the ethical dimensions of governance, with a strong focus on justice, equity, and the protection of the underprivileged. His governance principles, as articulated in Nahj al-Balagha, reflect a deep commitment to social welfare. Imam Ali (AS) stressed the responsibility of the state to ensure the well-being of its citizens, particularly the poor and marginalized. He famously wrote in his letter to Malik al-Ashtar, his appointed governor of Egypt, to "take care of the poor, for they have rights upon you. Give them a share from the public funds, as this is their rightful due" (Nahj al-Balagha, Letter 53) (Bahramian et al., 2023; Morshedzad, 2017; Vosoghi Long et al., 2019; Zareei & Araei, 2021). This directive illustrates Imam Ali's (AS) belief in the proactive role of the state in redistributing wealth to achieve social justice.

In comparing the principles of Keynes and Imam Ali (AS), it becomes evident that both advocate for a significant role of the state in ensuring economic stability and social welfare,

albeit through different mechanisms. Keynes focused on economic policies to manage demand and employment, while Imam Ali (AS) emphasized moral and ethical governance to protect the rights of the disadvantaged. This convergence in their thinking suggests a comprehensive approach to social security that incorporates both economic and ethical considerations. For instance, Keynes' idea of counter-cyclical fiscal policy can be seen as a practical implementation of Imam Ali's (AS) principle of proactive governance to support the vulnerable during economic hardships (Aspromourgos, 2018; Idris & Paulus, 2020; Mustofa & Janatin, 2023).

A critical examination of Iran's current social security laws reveals areas of alignment and divergence with the principles advocated by Keynes and Imam Ali (AS). Iran's social security system, established by the Social Security Act of 1975, provides a range of benefits including pensions, disability, and unemployment insurance. However, the system faces significant challenges such as financial sustainability, coverage gaps, and inefficiencies in service delivery (Bahramian et al., 2023; Morshedzad, 2017). By applying Keynesian principles, Iran could enhance the financial sustainability of its social security funds through counter-cyclical fiscal measures that stimulate economic growth and increase revenue (Sutch, 2018). Similarly, incorporating Imam Ali's (AS) emphasis on social justice could drive reforms aimed at expanding coverage and ensuring equitable access to benefits for all citizens, especially marginalized groups.

The comparison of global social security models further underscores the potential for improvement in Iran's system. Countries like Sweden and Germany, known for their robust social security systems, provide valuable lessons in terms of comprehensive coverage,

financial sustainability, and high-quality service delivery (Karsten, 1997). For instance, Sweden's approach to universal coverage and its proactive labor market policies align with Keynesian principles of government intervention to maintain full employment. At the same time, Germany's emphasis on social equity and its extensive support for the unemployed resonate with the ethical governance advocated by Imam Ali (AS) (Aspromourgos, 2018). By adopting best practices from these countries and aligning them with the theoretical insights from Keynes and Imam Ali (AS), Iran can develop a more effective and just social security system.

In conclusion, this study highlights the complementary nature of Keynesian economic principles and Imam Ali's (AS) social justice ethos in the context of social security laws. By integrating these perspectives, policymakers can design social security systems that are not only economically robust but also ethically sound. The recommendations derived from this comparative analysis include enhancing financial resources through counter-cyclical fiscal policies, expanding insurance coverage, improving service quality, and promoting transparency and public trust. Future research should focus on detailed case studies of successful social security reforms in other countries and explore their applicability in different cultural and economic contexts. This interdisciplinary approach promises to yield comprehensive strategies for advancing social welfare and reducing inequalities in contemporary societies.

References

- Aspromourgos, T. (2018). Keynes, Public Debt, and the Complex of Interest Rates. *Journal of the History of Economic Thought*, 40(4), 493-512.
<https://doi.org/10.1017/s1053837217000578>
- Bahramian, I., Vedadi, A., & Gholamzadeh, D. (2023). Providing a model of human capital agility in agricultural jihad. *Journal of Human Capital Empowerment*, 5(4), 307-318.

- https://jhce.rasht.iau.ir/article_696947.html
- https://jhce.rasht.iau.ir/article_696947_e7939871883e521a9b4be37c8c14f728.pdf
- Barnett, V. (2017). Keynes, Animal Spirits, and Instinct: Reason Plus Intuition Is Better Than Rational. *Journal of the History of Economic Thought*, 39(3), 381-399. <https://doi.org/10.1017/s1053837216000274>
- Bateman, B. W. (2021). Pragmatism and Probability: Re-Examining Keynes's Thinking on Probability. *Journal of the History of Economic Thought*, 43(4), 619-632. <https://doi.org/10.1017/s1053837221000365>
- Boianovsky, M., & Goodhart, C. (2017). Dennis Holme Robertson (1890-1963). 555-579. https://doi.org/10.1057/978-1-137-41233-1_25
- Bottom, W. P. (2010). Essence of Negotiation: Understanding Appeasement and "The Great Munich Stereotype". *Negotiation Journal*, 26(4), 379-415. <https://doi.org/10.1111/j.1571-9979.2010.00281.x>
- Carabelli, A. M., & Cedrini, M. A. (2011). The Economic Problem of Happiness: Keynes on Happiness and Economics. *Forum for Social Economics*, 40(3), 335-359. <https://doi.org/10.1007/s12143-010-9085-2>
- Chambers, D., Dimson, E., & Foo, J. (2015). Keynes the Stock Market Investor: A Quantitative Analysis. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 50(4), 843-868. <https://doi.org/10.1017/s0022109015000186>
- Dzukroni, A. A., & Afandi, M. Y. (2023). Optimizing Sharia Insurance in Building Halal Value Chain. *Malia Journal of Islamic Banking and Finance*, 6(2), 145. <https://doi.org/10.21043/malia.v6i2.16593>
- Fuller, E. W. (2018). Keynes's Fatal Conceit. *Revista Procesos De Mercado*, 13-65. <https://doi.org/10.52195/pm.v15i2.47>
- Hartati, S. Y. (2024). The Prospects for Equitable Sharia Insurance Dispute Resolution in an Ideal Arrangement, Basyarnas, Indonesia. *Jurnal Dinamika Hukum*, 24(1), 88. <https://doi.org/10.20884/1.jdh.2024.24.1.4207>
- Idris, M., & Paulus, D. H. (2020). Sharia Life Insurance: Legal Basis and Operational Systems. *Jurnal Hukum Prasada*, 7(1), 45-52. <https://doi.org/10.22225/jhp.7.1.1342.45-52>
- Karsten, S. G. (1997). A Perspective on US and German Socioeconomic Policies. *International Journal of Social Economics*, 24(6), 652-665. <https://doi.org/10.1108/03068299710179053>
- Morshedzad, A. (2017). Good Governance and Desired Governance in the New Islamic Civilization. *Journal of Iran Futures Studies*, 2(2), 125-140. <https://doi.org/10.30479/jfs.2017.1563>
- Mustofa, A. F., & Janatin, A. S. (2023). Financial Performance of Sharia and Non-Sharia Life Insurance: a Comparative Analysis. *Jifa (Journal of Islamic Finance and Accounting)*, 5(1), 64-74. <https://doi.org/10.22515/jifa.v5i1.5353>
- Sutch, R. (2018). Reading Keynes at the Zero Lower Bound: The Great Depression, the Liquidity Trap, and Unconventional Policy. *Journal of the History of Economic Thought*, 40(3), 301-334. <https://doi.org/10.1017/s1053837217000013>
- Vosoghi Long, S., Sarvar, R., & Zivyar, P. (2019). Survey of Government Role in Regional Development Evolutions of Iran after decade of 90S (by using of TOPSIS Technique for Provinces Ranking). *Geography (Regional Planning)*, 9(34), 21-33. http://www.jgeoqeshm.ir/article_88962.html
- Zareei, M., & Araei, V. (2021). Analysis and critique of the model of good governance; Explaining the indicators of Islamic governance Based on the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Revolution Research*, 10(2), 7-25. <https://doi.org/10.1001.1.23222573.1400.1.0.2.1.3>